

دبیر کمیته کردستان محمد آنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

# ایسکرا ۶۵۳

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۲ آذر ۱۳۹۱، ۱۲ دسامبر ۲۰۱۲

سرمدییر عبدال گلپریان

## اطلاعیه شماره ۳ / هجده نفر از دانش آموزان آتش سوزی شین آباد جانشان در خطر است

کمیته کردستان حزب رسیده است  
۱۸ نفر از کودکان شین آباد  
پیرانشهر در بیمارستان سینا در  
تبریز بستری شده و گفته میشود  
ممنوع الملاقات هستند. نزدیکان  
این بچه ها اجازه ملاقات با آنها را  
ندارند. در میان مردم شایع شده  
است که تعداد بیشتری از این بچه  
ها جان باخته و مقامات امنیتی به  
همین دلیل نمیخواهند والدین آنها  
فعلا باخبر بشوند.



مقامات امنیتی رژیم از  
والدین سیران یگانه تعهد گرفتند  
که جنازه دخترشان را به پیرانشهر  
بر اساس آخرین خبری که به  
نبرند.

صفحه ۲

## مدارس ایران قتلگاه دانش آموزان



عبدال گلپریان

در بیمارستان سینای تبریز  
درگذشت. هنگامیکه خانواده سیران  
جسد فرزندشان را تحویل گرفتند  
ماموران امنیتی از آنها تعهد  
گرفتند که نباید جسد دخترشان را به  
داخل شهر پیرانشهر ببرند. به همین  
خاطر سیران را در روستای "پسوه" در  
۲۵ کیلومتری پیرانشهر بخاک  
سپردند. در این مراسم حدود هزارو  
پانصد نفر شرکت کردند. در همین  
رابطه خانواده و والدین دانش آموزان  
مدرسه دیگری بنام ۱۷ شهریور در  
پیرانشهر بدلیل استفاده این مدرسه  
از بخاری نفتی اعتراض کرده اند تا  
بدینوسیله از تکرار فاجعه ای که در  
شین آباد رخ داد جلوگیری کنند. اما  
مسئولین قرون وسطایی رژیم  
اسلامی نیز برای شدت بخشیدن بر  
تکرار چنین فجایعی بخاری نفتی را  
در این مدرسه برداشته و بجای آن  
چراغ نفتی قرار داده اند! مقامات و  
نهادهایی که مسئول مستقیم این  
فاجعه انسانی هستند دیدار خانواده  
کودکان سوخته شده را در بیمارستان  
ممنوع اعلام کرده اند. شایعاتی  
مبنی بر اینکه تعداد بیشتری از  
دانش آموزان جان باخته باشند قوت  
گرفته است. مقامات حکومتی و

انتشار خبر آتش سوزی در  
مدرسه ای در شین آباد پیرانشهر دل  
هر انسان شرافتمندی را بدرد آورد  
۳۸ دختر دانش آموز مرحله ابتدایی  
در حالی میان شعله های آتش گیر  
افتادند که درب کلاس دستگیره  
نداشت، کپسول خاموش کردن آتش  
خالی بود، پنجره ها با میله بسته  
شده بود و گروه امداد نیز بعد از یک  
ساعت و در زمانی که دانش آموزان  
مصدوم شده توسط مردم از کلاس  
خارج شده بودند به محل رسیدند.  
بعد از انتقال دانش آموزان به  
بیمارستان، ابتدا خبرها حاکی از آن  
بود که ۱۲ نفر از این کودکان  
مصدومیت بالای ۶۰ درصدی دارند  
اما متأسفانه این آمار از ۱۲ تن به  
۱۸ نفر افزایش یافته است. روز  
یکشنبه نیز "سیران یگانه" دانش  
آموز ۱۰ ساله بر اثر شدت سوختگی

صفحه ۲

## بمناسبت بیست و یکمین سال تشکیل حزب کمونیست کارگری



نسان نودینیان

حزب کمونیست کارگری ایران  
در کردستان حزبی آشنا، محبوب و  
با سابقه بویژه در میان کارگران و  
فعالین اول ماه مه و فستیواک  
کودکان، زنان و جوانان، دارای  
پیشینه درخشانی است. حزب می  
کوشد تا همچنان بطور قاطع در  
صحنه سیاسی جامعه ایران و در  
کردستان در جدال سیاسی با  
ناسیونالیسم کرد، جریانات مذهبی  
و اپوزیسیون راست پرو غرب ظاهر  
شود. تلاش و فعالیتهای تاکنونی  
این حزب بر سرنوشت سیاسی ما و  
فعالین کمونیست و چپ تاثیر  
بسزایی داشته است. حزب

صفحه ۲

## اطلاعیه شماره ۲ / کودکانی که در آتش سوختند

در اثر آتش سوزی در مدرسه شین آباد پیرانشهر ۳۸ کودک دچار سوختگی شدند  
یکی از آنها به اسم سیران یگانه جان باخت و حال سه نفر دیگر از این کودکان وخیم است.  
این جنایت آشکاری از طرف حکومت اسلامی است و باید در همه جا با اعتراض روبرو شود!

صفحه ۳

اطلاعیه شماره ۱ / بر اثر حریق در دبستان دخترانه شین آباد پیرانشهر  
۳۶ دانش آموز دچار سوختگی شدند

صفحه ۴

جنبش اول ماه مه در کردستان / نسان نودینیان / بخش دوم

صفحه ۵

اعتراض به خشونت بر علیه زنان در اقصی نقاط جهان / مینا احدی

صفحه ۶

اخباری از شهرهای کردستان

## اطلاعیه شماره ۴ / تعدادی از دانشجویان دانشگاه تبریز به دیدار دانش آموزان شین آباد در بیمارستان سینا رفتند

صفحه ۵

درباره اتفاقات اخیر مصر:  
تعرض قدرتمند انقلاب در مصر!

صفحه ۶

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ بمناسبت بیست و یکمین سال ...

کمونیست کارگری ایران مبشر و نماینده سنت و مشی سیاسی - کارگری عمیقی است که از بدو تولد حزب کنون، سنت اعتراض کارگری را نمایندگی کرده است.

سنت اعتراض کارگری، تلاش برای متشکل کردن و بهم نزدیک شدن کارگران و ایجاد تشکل و ابراز وجود سیاسی از سنتهای کمونیسم کارگری است که سابقه و قوام بسیار طولانی تر از تولد بیست ساله حزب کمونیست کارگری دارد.

با ایجاد حزب کمونیست ایران این سنت - سنت اعتراض کارگری، ابراز وجود قدرتمند و با شکوهی را در درون طبقه کارگر به نمایش گذاشت. این ابراز وجود در مراسمهای اول ماه مه و جنبش برابری زنان، روز جهانی زن و فستیوال کودکان بود.

سازماندهی گرایش کمونیسم کارگری با انسجام بخشیدن و سازمان دادن به طیف کارگران کمونیست در عرصه مبارزه طبقاتی - سیاسی شروع و سازماندهی حزبی این طیف حاصل عملی پیشروی در این پروسه بود و اهمیت رهبران عملی و امر گسترش تحزب کمونیستی از سنتهایی است که کمونیسم کارگری در درون جنبش کارگری بعنوان یک جز ارگانیک، تفکر و سنت منسجم پیش برده و در ساختن و بجلو صحنه راندن سخنگویان علنی، شناخته شده و سخنگویان جنبش کارگری امروز بازتاب معین داشته و بوفور ما در صحنه سیاسی و جنبش کارگری شاهد ابراز وجود ابژکتیو شخصیتهایی هستیم که مورد اعتماد جامعه و جنبش کارگری هستند. رهبران و سخنگویانی که در سطح محلی و بین المللی شناخته شده و مورد حمایت قرار میگیرند. متعین شدن رهبران و سخنگویان کارگری حاصل جدل و فعالیتهای تئوریک و رفع موانع چپ سنتی است که خشت به خشت این سنت توسط منصور حکمت با

سمینار و کارهای فشرده، بیان

شفاف عملی و پراتیکی پیدا کرده و از سنت کمونیسم کارگری و سنت اعتراض و ابراز وجود طبقه کارگر است.

اگر سایه حاکمیت جنایتکارانه و سرکوب جمهوری اسلامی وجود نداشت، همین امروز صدها نفر از کسانی که میتوانند پرچم کمونیسم و رهایی بشر از کار مزدی را به مطالبه و خواست تعیین تکلیف سیاسی در جامعه تبدیل کنند، بجلو صحنه میآمدند و اولین گردهمهای آزادی - برابری - حکومت کارگری را پایه ریزی میکنند.

حزب کمونیست کارگری میراث منصور حکمت و از دستاوردهای کمونیسم در ایران است. ما مدعی قدرت سیاسی و مدعی ماگزیمالیستی ترین مطالبات برای تغییر زندگی کارگران و جامعه هستیم.

حزب کمونیست کارگری توانایی و قدرت ایجاد فضای سیاسی و پلمیک با چپ و کمونیستها در صحنه سیاسی مبارزات انقلابی را دارد. میتوانم محمل قدرتمندی کمونیسم و کمونیستهایی که به قدرت سیاسی فکر میکنند باشد. برجسته کردن این ترند در بیست و یکمین سالروز تشکیل حزب کمونیست کارگری به این دلیل ضروری است که امروز ما میشنومیم و می بینیم که چپ و کمونیسم به نیروی قابل دسترس و قدرتمندی نیاز دارد که بتواند در مقابل سناریوی ناتوی و جریانات ناسیونالیست و راست بایستد.

حمایت و پشتیبانی و پیوستن به حزب کمونیست کارگری ایران امروز در شرایطی که پرچم جریانات اپوزیسیون راست و ناسیونالیسم بقصد خزیدن به قدرت در سایه مانور نظامی ناتو و سنتهای ارتجاعی برای آینده سیاسی مردم در ایران و کردستان خیز برداشته اند، بیش از هر دوره ای ضروری شده است.

۱۰ دسامبر ۲۰۱۲

## از صفحه ۱ مدارس ایران قتلگاه ...

این حکومت را خوب می شناسند. مقصر جلوه دادن معلم مدرسه نیز یکی دیگر از عوامفریبی های آبرویاخته حکومت اسلامی است. چنین شگرد سوخته ای تنها از عهده مشتتی آخوند کبک زده و چپاولگر هستی مردم ساخته است. مردم می دانند که رژیم اسلامی، مقامات و نهادهایش تا مغز استخوان کلاش، دزد و فاسد هستند. مردم می دانند که کاربدستان حکومت اسلامی برای در رفتن از زیر ضرب اعتراضات مردم به تکاپو افتاده اند.

برگزاری مراسم خاکسپاری کودک ۱۰ ساله ای که بخاطر حیف و میل سران و دست اندرکاران این رژیم جان خود را از دست داد را امنیتی می کنند. خانواده سیران یگانی و مردم معترض را در محاصره نیروهای انتظامی و سرکوبگر قرار می دهند. خودشان خوب می دانند که بشدت مورد خشم، انزجار و تنفر مردم قرار دارند. امنیتی کردن مراسم خاکسپاری سیران ۱۰ ساله لرزه بر پیکر شان انداخته است. مردم خشمگین، حکومت اسلامی را بانی اصلی در لاقیدی، بی کفایتی

ماموران از وحشت اعتراض مردم فضای شهرپیرانشهر، مهباد و بیمارستانی که دانش آموزان در آن بستری هستند را امنیتی کرده اند. کاربدستان رژیم از رهبر جلادان اسلامی گرفته تا وزیر و امام جمعه و دیگر مفتخوران ریز و درشت این دم و دستگاه فاسد و آدم کش هریک طبق معمول به هذیان گویی و اراجیف همیشگی شان پرداختند و کوشیدند تا انگشت اتهامی را که به روی خودشان توسط مردم نشانه رفته است آترا به سوی معلم دانش آموزان که نهایت تلاش خود را برای خاموش کردن آتش بکار گرفته بود برگردانند. وقتیکه دیدند چنین ترفندی نمیگردد مقصر بعدی را شرکت تولید بخاری ارج معرفی کردند.

وقاحت و بیشرمی مقامات حکومت اسلامی حد و مرز نمی شناسد. تمام تقالی خود را نمودند تا مدرسه ای را که در لیست تخریب قرار داشته است از دید مردم پنهان کنند. مدرسه ای که بر طبق معیارهای حکومت دزدان راه اندازی می شود مدرسه نیست بلکه قتلگاه دانش آموزان است. مردم آزادیخواه و شرافتمند

## از صفحه ۱ هجده نفر از دانش آموزان ...

نباید جنازه را به داخل شهر پیرانشهر ببرند. به همین دلیل والدین و بستگان سیران ناچاراً جسد کودک ده ساله شان را در روستایی به اسم "پسوه" خاکسپاری کردند.

بر اساس همین خبر با وجود اینکه تعداد زیادی نیروی امنیتی و فیلم برداران سپاه حضور داشتند و فضا را امنیتی کرده بودند، حدود ۱۵۰۰ نفر در مراسم خاک سپاری سیران یگانه شرکت کردند.

بر اساس گزارش همین منبع خبری، تعدادی از خانواده هایی که فرزندان شان در مدرسه ۱۷ شهریور در شهر پیرانشهر درس میخوانند گفته اند نباید در مدارس بچه ها بخاری نفتی روشن شود. زیرا احتمال تکرار حادثه دلخراش شین آباد وجود دارد. مسئولین در



بعد از مرگ یکی از دانش آموزان به اسم سیران یگانه که روز دو شنبه خاکسپاری شد، مقامات امنیتی رژیم موانعی برای والدین و بستگان او ایجاد کردند که این شک و شایعات را بیشتر دامن زده است.

هنگامی که والدین سیران میخواستند جسد دخترشان را تحویل بگیرند، مقامات امنیتی به آنها گفته اند جسد سیران را در تبریز خاک سپاری کنند. اما والدین سیران روشن و قاطع با این تصمیم مخالفت میکنند. نیروهای امنیتی از آنها تعهد میگیرند که

و شانه بالا انداختن در مقابل زندگی کودکانشان مقصر می دانند.

مدارس کشور تحت حاکمیت مشتتی اوباش اسلامی را نمی شود مدارس نام نهاد. مدارس در ایران قتلگاه دانش آموزان است، کوره های آدم سوزی است. ظرفیت ۳۸ نفر انسان در مخروبه ای بنام کلاس درس را با هیچ معیاری نمی توان مدرسه نامید. تحت حاکمیت مشتتی جانور، سهم کودکان در مدارس ایران از ثروت نفت، سوختن در آن است. حاکمان اسلامی در قبال چنین رویدادهای تکان دهنده ای تنها با چرنیبات هر روز و هر ساعتشان در صدا و سیمای نکبت اسلامی با تهدید و زندان اراجیف تحویل مردم می دهند.

مردم باید خود دست بکار شوند. اعتراض و تجمع در مقابل نهادهای بی خاصیت اوباشان اسلامی و دخالت مستقیم والدین و معلمان در بررسی از وضعیت مدارس کاری است که می توان انجام داد تا مفتخوران اسلامی را به بهبود وضعیت مدارس و هزینه هایی که باید به امکانات مدارس اختصاص داده شود وادار کرد.

۱۱ سپتامبر ۲۰۱۲

جواب این اعتراض و نگرانی خانوادهها بخاری نفتی را برداشته و

به جای آن چراغ نفتی گذاشته اند. کمیته کردستان حزب خود را در غم و نگرانی مردم و خانواده های داغدید و نگران شریک میدانند و از همه مردم کردستان میخواهد با اعتراض و تجمع خود علیه رژیم اسلامی، مقامات جانی و بی کفایت این رژیم را ناچار کنند که همه مدارس را با استاندارد امروزی و قابل قبولی باز سازی کنند. این حق هر دانش آموزی است که در جای امن و با استاندارد امروزی درس بخواند. مقامات رژیم اسلامی چنان بی پایه و ریشه هستند که از عبور دادن جسد یک دختر ده ساله در شهر نگران هستند که مورد تعرض مردم قرار گیرند.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ دسامبر ۲۰۱۲

**اساس سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار  
به انسان است.**

## اطلاعیه شماره ۱/ بر اثر حریق در دبستان دخترانه شین آباد پیرانشهر ۳۶ دانش آموز دچار سوختگی شدند



مکانهایی که هر آن احتمال ریزش سقف و دیوارهای آن بر سر دانش آموزان وجود دارد و فاقد سیستمهای امن گرم کننده و خنک کننده هستند.

مسئول مستقیم این فجایع رژیمی است که جز جنایت، سرکوب، تحمیل فقر و بدبختی به مردم وظیفه ای برای خود قائل نیست. به این وضعیت باید اعتراض کرد. نباید اجازه دهیم اینگونه عزیزانمان قربانی ناامنی و بی مسئولیتی شوند. نباید اجازه بدهیم باز هم در مدرسه ای دیگر همین فاجعه اتفاق بیفتد. مردم پیرانشهر و مردم همه شهرهای دیگر باید علیه این وضعیت دست به اعتراض بزنند و دولت را وادار کنند که بهترین امکانات برای معالجه دانش آموزان مصدوم بکار گرفته شود، بلافاصله و زیر نظر خود مردم و معلمان و دانش آموزان موارد ناامن و خطرناک اعم از ساختمان مدارس و بخاری ها و غیره مورد بررسی قرار گیرد و به خانواده های دانش آموزانی که قربانی این وضعیت شده اند خسارت پرداخته شود. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری از مردم پیرانشهر و سایر شهرها، خانواده های دانش آموزان مصدوم شده، معلمان و دانش آموزان می خواهد که ساکت نشینند و با تمام قوا علیه جمهوری اسلامی، علیه بی مسئولیتی این رژیم و علیه ناامنی مدارس دست به اعتراض بزنند.

سرنگون باد  
رژیم جمهوری اسلامی  
کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری  
۱۵ آذر ۹۱  
۵ دسامبر ۲۰۱۲

بنا به گزارش خبرنگار حزب از پیرانشهر روز چهارشنبه ۱۵ آذرماه دبستان دخترانه انقلاب اسلامی در روستای "شین آباد" پیرانشهر دچار حریق شد که در اثر آن ۳۶ دانش آموز دچار سوختگی شدند. گروه های امداد بعد از یک ساعت به محل حریق می رسند که تا رسیدن آنان مردم خود سریعا دست بکار شده و دانش آموزان را از میان آتش و دود از کلاس خارج می کنند. حال ۱۲ نفر از دانش آموزان وخیم گزارش شده و ۶ نفر از دانش آموزان با سوختگی بالای ۶۰ درصد به بیمارستان تبریز منتقل شده اند. لازم به ذکر است که این دبستان قبلا در لیست مدارس تخریبی شین آباد قرار داشته است تا جائیکه درب کلاسها فاقد دستگیره بوده و بخاطر جلوگیری از ورود حیوانات به داخل کلاس، پنجره های آن را با نرده های آهنی بسته بودند. این امر سبب می شود که دانش آموزان تا لحظاتی در میان شعله های آتش محاصره شوند و نتوانند فورا خود را نجات بدهند. این اولین بار نیست که دانش آموزان مدارس با چنین صحنه های هولناکی مواجه می شوند. روزی نیست که در گوشه و کنار این کشور سانه های قابل پیشگیری جان دانش آموزان را نگیرد. در این میان دانش آموزان مناطق روستائی و شهرکهای هم چون شین آباد از داشتن ابتدایی ترین امکانات محرومند. نهادهای رژیم هیچگاه خود را در قبال چنین رویدادهای تکانهنده ای پاسخگو ندانسته اند و در حالیکه سران و مهره های حکومت سرگرم دزدی و چپاول از هستی مردم اند، دانش آموزان را در مدارس کهنه و فاقد کوچکترین وسائل ایمنی جای می دهند.

خواهان استعفای وزیر آموزش پرورش شده است، قصد سخنرانی در جمع والدین کودکان زخمی و آسیب دیده را داشته که آنها با شعار دادن و اعتراض مانع سخنرانی او شدند. چرا که مردم تجربه دارند و میدانند این جانباں از ریز و درشت، همه دست اندرکاران این حکومت ضد انسانی هستند. همه آنها شارلاتانهایی هستند که برای نجات حکومتشان نقش های گوناگون بازی میکنند و حضورشان در جمع مردمی که دلشان از دست همه اینها خون است، فقط باعث ابراز انزجای عمومی مردم میشود.

روز دوشنبه قرار است سیران یگانه کودک ده ساله ای را که در تبریز جان سپرد، در محل تولدش دفن کنند. رسانه های حکومت اسلامی از امکان حضور مقامات محلی و نماینده وزیر آموزش و پرورش در این مراسم حرف میزنند. اما بطور قطع حضور اینها در مراسم با ابراز انزجار و اعتراض عمومی روبرو خواهد شد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران فاجعه دردناک از دست رفتن سیران یگانه را به خانواده این عزیز صمیمانه تسلیت میگوید و خود را در غم بزرگ این خانواده سهیم و شریک میدانیم. ما از همه خانواده هایی که فرزندان آنها آسیب دیده اند و از مردم معترض و آزاده در کردستان میخواهیم که برای فراهم کردن امکانات کافی برای معالجه کودکان آسیب دیده و اعزام آنها به یک کشور اروپایی با امکانات بهتر پزشکی و درمانی به حکومت اسلامی فشار وارد کنند.

مدارس در ایران و بویژه مدارس در روستاها و مناطقی که این چنین غیر استاندارد هستند باید فورا باز سازی و ترمیم بشوند. مدرسی که غیر استاندارد سرهم بندی شده اند نه محل آموزش بچه ها بلکه محل قربانی گرفتن از بچه ها است. این اوضاع برای کودکان بسیار خطرناک است. باید به حکومت اسلامی ایران و مفتخوران اسلامی فشار آورد که مدارس را به سطح استانداردهای امروزی برسانند و بیش از این با جان بچه ها بازی نکنند.

ما از مردم کردستان  
صفحه ۶

## کودکانی که در آتش سوختند

مورد مدرسه ای حرف میزنیم که درهای آن دستگیره نداشته و دقیقا بهمین دلیل امکان باز کردن در و فرار کودکان نبوده است. مدرسه ای که پنجره هایش را نیز میله کشیده و امکان فرار از پنجره هم وجود نداشته است. در همین مدرسه که بچه ها طعمه حریق شده اند، کمپول آتش نشانی اش خالی بوده است. اکنون که ابعاد این جنایت برای جامعه روشن شده است، وزیر جانی آموزش و پرورش و دیگر مقامات امنیتی و حکومتی تلاش میکنند مقصر را نه دولت و نظام جمهوری اسلامی بلکه معلم کلاس معرفی کنند.

اگر این واقعه در هر کشور معمولی در دنیا پیش می آمد، اولین اقدام این میبود که مسئولین آموزش و پرورش تا سطح وزیر باید استعفا میدادند و سپس بررسی چرایی این واقعه و بویژه نقش دولت و حکومت در چنین جنایتی مورد بررسی دقیقتر قرار میگرفت. اما مردم ایران با حکومتی پررو و جانی سرورکار دارند که حتی بعد از این همه جنایت تلاش میکند آنرا توجیه کند و امری عادی جلوه بدهد.

ما در مورد ایران تحت حاکمیت مشتی فاشیست اسلامی حرف میزنیم. حکومتی که با دزدی و فساد نفس میکشد و حتی وقتیکه بچه های خردسال در میان آتش بی مسئولیتی و بی کفایتی آنها میسوزند حاضر به پاسخگویی و قبول مسئولیت این جنایت خود نیستند.

اخبار اما حاکی از وجود یک فضای اعتراضی و خشم آگین از طرف مردم است. در مهاباد تعدادی از جوانان در مقابل آموزش و پرورش مهاباد دست به تجمع زده و شعارهایی در دست داشتند که به این فاجعه اعتراض کرده و خواهان پاسخگویی مقامات و استعفای وزیر آموزش و پرورش شدند. خبر از امضا طومارهای اعتراضی در کردستان هست و صحبت از اینکه در همه شهرها باید به این موضوع اعتراض کرد. طبق خبری که به ما رسیده است، نماینده پیرانشهر که در این واقعه سعی میکند چهره "مدافع قربانیان" را بخود گرفته و



خبر حادثه دردناک، قرار گرفتن بچه ها در میان شعله های آتش در یک مدرسه در یکی از روستاهای پیرانشهر واقع در کردستان ایران و عکسهای کودکان عزیزی که سوخته بودند، نفس را در سینه هر انسان آزاده ای حبس کرد. از روز گذشته اخبار رسیده حکایت از این دارد که سیران یگانه ۱۰ ساله در اثر شدت جراحات وارده در بیمارستان سینا در تبریز جان خود را از دست داده است. خبر مرگ یکی دیگر از این دختر بچه ها به اسم آمنه منتشر شده است اما هنوز مورد تأیید منابع خبری ما قرار نگرفته است. بنا به اخباری که به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران رسیده است، حداقل چهار کودک از میان کودکان سوخته بر اثر شدت سوختگی در خطر جدی مرگ قرار دارند. سه نفر از آنها در حال کوما و با کمک دستگاههای تنفسی مصنوعی زنده هستند.

این جنایت آشکار از سوی حکومتی است که میلیاردها پول را مقامات ریز و درشت آن بالا میکشند و میلیاردها دلار بنا به اقرار خودشان گم و گور شده و کودکان در مدارس مجبورند در بدترین شرایط درس خوانند و در اثر حوادثی این چنینی جان ببازند.

در مورد مدرسه ای حرف میزنیم که بدلیل نبود وسایل ایمنی در مدرسه ۳۸ کودک در میان شعله های آتش قرار گرفتند و تن و بدن نازکشان طعمه حریق شد. غیر استاندارد بودن و فرسودگی ساختمان و عدم وسایل گرما و سرما در این نوع مدارس تا کنون تعداد زیادی از بچه های کم سن و سال را قربانی کرده است. در



## جنش اول ماه مه در کردستان تهیه و گردآورنده: نسان نودینیان / بخش دوم

جهان متحد شوید!

بوکان: رحمان حسین زاده در خاطرات خود در مورد برپایی مراسم اول ماه مه چنین میگوید: «بدنبال قیام ۵۷ اکنون فرصتی پیش آمده بود که کارگران و مردم زحمتکش بنسبست روز جهانی کارگر جشن بگیرند. برگزاری مراسم روز کارگر عده بیشماری را با خود روز کارگر و تاریخچه آن آشنا نمود، که تا آن زمان چیزی در مورد آن نشنیده بودند. روز اول ماه مه، شهر سیمای دیگری داشت، دسته دسته کارگران و مردم زحمتکش و جوانان و روشنفکران انقلابی و کمونیست در محوطه «جمعیت دفاع از حقوق زحمتکشان» جمع شده بودند و سپس از آنجا راه پیمایی شروع شد. مراسم به دعوت «جمعیت شهر بوکان و سازمان چریکهای فدایی برگزار شد که حدود ده هزار نفر از کارگران، مردم فقیر و زحمتکش شهر و روستا و روشنفکران انقلابی در آن شرکت کردند. مرتجعین مذهبی که به دور «مکتب قران» جمع شده بودند برای برهم زدن تظاهرات، ممانعت از این حرکت مستقل کارگری و کم رنگ کردن شعارها و خواستههای کارگری در آن مراسم شرکت کردند، آنها خواستند با دادن شعارهای مذهبی در جهت تطهیر رژیم اسلامی تظاهرات را بر هم بزنند. اما با عکس العمل قاطع کارگران و اجتماع کنندگان روبرو شدند. کارگران در طول تظاهرات با تکرار محکم و رسا شعار «کارگران جهان متحد شوید» مشت محکمی بر دهان مرتجعین مذهبی کوبیدند. این مرتجعین که دیگر تاب تحمل شعارهای طبقاتی کارگران و این حرکت آگاهانه و شکوهمند آنان را نداشتند صف خود را که جمعیتی در حدود ۵۰ نفر بودند از تظاهرکنندگان جدا کردند، تظاهرات کارگران با شعار «برادری - برابری - حکومت کارگری» و با سرود انترناسیونال ادامه پیدا کرد و با عظمت خاصی که نشانی از قدرت کارگران بود خیابانهای اصلی شهر را در نور دیدند. کارگران این روز را در فضایی پر از شادی و امیدواری به آینده ای روشن برگزار نمودند. بعلاوه این روز به میدان کشمکش انسانهای

روستاهای بزرگ برگزار میشود. سرود انترناسیونال و شعارهای انترناسیونالیستی و کارگری همه جا طنین انداز میشود.

سنندج: در ۱۱ اردیبهشت سال ۵۸ به دعوت «جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب» هزاران نفر از کارگران و زحمتکشان و مردم شهر سنندج با حمل پلاکاردهای گوناگون در میدان آزادی شهر اجتماع کردند تا روز جهانی کارگران را جشن بگیرند. سنندیکای کارگران بیکار سنندج طبق فراخوانی کارگران را دعوت کرد تا به طور متشکل در این میتینگ شرکت کنند. محله تازه آباد که مرکز سنندیکا در آن قرار داشت، مملو از کارگران شاغل و بیکاری بود که آماده شرکت در جشن طبقاتی خود بودند. کارگران با حمل شعار و پلاکاردهایشان سرود خوانان به طرف میدان آزادی شهر به حرکت درآمدند. شعار «کارگران جهان متحد شوید» که شعار اصلی مراسم بود، روی یک باندرول بزرگ نوشته شده بود. روی پلاکاردهای متعدد سایر مطالبات کارگران مانند «بیمه بیکاری» حق اشتغال، ۸ ساعت کار و مطالبات رفاهی دیگری بچشم میخورد. در میان شادی و سرور اجتماع کنندگان در میدان آزادی هزاران کارگر شاغل در صفوف منظم به اجتماع کنندگان پیوستند. زنان به خصوص زنان کارگر کارخانه پوشاک وسیعا در مراسم اول ماه مه سال ۵۸ شرکت داشتند. روز اول ماه مه سال ۵۸ به دعوت سنندیکا تمام نانوائی ها تعطیل شدند و کارگران با حمل پلاکاردها و شعارهای خود در میتینگ اول ماه مه شرکت کردند. نماینده کارگران در میتینگ سخنرانی کرد و کارگران را به اتحاد و همبستگی بیشتری دعوت کرد.

مهپاد: تظاهرات با شکوهی توسط جمعیت انبوه کارگران فصلی، کارگران کارگاههای مختلف و مردم شهر به راه افتاد. شرکت کنندگان در محل خانه جوانان شهر مهپاد تجمع کردند و اعلامیه و پیام و سخنرانی درباره همبستگی مبارزاتی کارگران جهان پخش و ایراد میشود. در این مراسم کارگران شعار میدادند: پیروزباد روز جهانی کارگر، کارگران

فصل اول: انقلاب ۵۷ و اول ماه مه در کردستان

جشن اول ماه مه در سال ۵۸ و در شهر سنندج، مهپاد، اشنویه و بوکان در موقعیت سیاسی و شرایط سیاسی نوینی برگزار شد، از یک طرف کارگران و کمونیستها و مردم انقلابی خود را در مقابل رژیم سلطنتی پیروزمندانه می بینند، آکسیونهای اول ماه مه با پایان دیکتاتوری رژیم شاه اولین نفس های آزاد شده کارگران را در خیابانها به نمایش میگذارد. از طرف دیگر طبقه کارگر بمشابه طبقه اجتماعی ودخیل در صحنه سیاسی کردستان در این روز و با نمایشهای رژه و مراسم اول ماه مه نشان داد که جامعه کردستان برخلاف نظرات و دیدگاه های بورژوازی و ناسیونالیستی جامعه ای طبقاتی است و کارگر و مطالبات کارگری نه تنها در عرصه کشمکشهای جاری در جامعه، حضور و موجودیت اجتماعی و واقعی دارد، بلکه محور اصلی کشمکشها و تحولات اجتماعی و سیاسی است.

اول ماه مه ۱۳۵۸، اولین مراسمهای روز کارگر بعد از سرنگونی رژیم شاه بود. مراسم سال ۵۸ در میان خروش انقلاب در شهرهای ایران برگزار شد. وبا شکوه ترین جشن کارگران بود. میلیونها زن و مرد کارگر در این روز در شهرهای مختلف ایران، روز همبستگی جهانی خود را با برپایی دهها میتینگ در شهرهای مختلف و تظاهرات پرشور، برگزار کردند. اولین روز کارگر بعد از قیام ۵۷، یعنی اول ماه مه سال ۵۸، حدود نیم میلیون نفر در تهران و صدها هزار نفر در شهرها رژه رفتند.

در اول ماه مه سال ۵۸، یک خواست اصلی کارگران لغو قانون کار زمان شاه و تدوین یک قانون کار جدید بود.

در کردستان هم نمایش و جشن جهانی روز کارگر برای اولین بار علنی در خیابانهای شهرها و حتی

پرداختند. فراخوان توسط نمایندگان کارگران بیکار مانند مصطفی نجار در میان کارگران پخش شد. در این زمان مسئله کارگران بیکار داشت به مسئله سیاسی شهر تبدیل میشد و مطالبه حق بیکاری نضح میگرفت. این باعث شد که تعدادی از کارگران شهرداری و آبیاری که هسته اصلی اعتراضات بودند در جشن شرکت کنند. این نقطه قوت جشن بود. راه پیمایی از جلو دفتر «جمعیت» شروع شد و بطرف خیابان اصلی شهر راه افتاد. در شروع راه پیمایی تعدادمان زیاد نبود. ولی برروز جمعیت شهر بیشتر میشد. بخصوص در خیابان اصلی در محل اجتماع روزانه کارگران بیکار، به تعدادمان افزوده شد. در طول راه پیمایی شعارهایی چون «زنده باد طبقه کارگر، دشمن سرمایه دار»، «زنده باد اول ماه مه» داده میشد. روی پلاکاردها هم همین شعارها نوشته شده بود. در گردهمایی آخر راه پیمایی از جمله سخنرانان مصطفی نجار بود. او بیشتر به مسئله بیکاری کارگران شهرداری و آبیاری شهر پرداخت. کارگران شهرداری و آبیاری بعد از انقلاب ۵۷ «بیکار» شده بودند و با اینکه اگر کار میکردند حقوقی بیکاری داشت تبدیل به مسئله حاد سیاسی شهر میشد. طرح این مسئله پایه اعتراضات بعدی شد که دو یا سه راه پیمایی اعتراضی را بدنبال داشت، حاصل آن گرفتن حق بیکاری برای حدود ۲۰۰ کارگر بود. که «جمعیت» و نمایندگان کارگران تحویل آن از شورای شهر و پرداخت به کارگران را سازماندهی کردند.

ادامه دارد

**کارگر زندانی آزاد باید گردد**  
www.free-them-now.blogspot.com

**Free jailed workers in Iran**

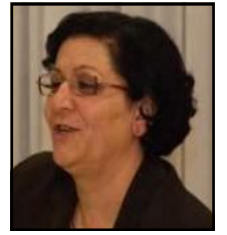
Mohammad Jarahi      Reza Shahabi      Shahrokh Zamani

ABDOLREZA GHANBARI

**FREE THEM NOW!**

Rasoul Bodaghi      Behnam Ebrahimzadeh

## اعتراض به خشونت بر علیه زنان در اقصی نقاط جهان



مینا احدی

در کشورهای اسلامی که حکومت می‌کند، تعریف موقعیت زنان احتیاج به فرهنگ لغات جدید دارد. خشونت کلمه‌ای بسیار لطیف در توصیف موقعیتی است که جنبش اسلامی و مذهب اسلام بر زنان تحمیل کرده است!

دو عکس برگزیده در روز جهانی اعتراض به خشونت بر علیه زنان



اینجا شهر سلیمانیه در کردستان عراق است. فعالین مدافع حقوق زن با این ابتکار یاد زانی را گرامی داشتند که قربانی قتل ناموسی و یا قتل در خانواده‌ها، یا خودکشی و خودسوزی بودند. در اینجا می‌توان اسامی و علت مرگ زنان را دید و همچنین کفش این زنان و شاخه‌های گلی که به یاد این زنان و پیرشندگان در مرکز شهر سلیمانیه باید نگاهها را به این جنایات و این خشونت غیر قابل توصیف جلب می‌کرد.



اینجا تورنتو کانادا است. مردان با کفش زنان راهپیمایی می‌کنند تا به دنیا نشان دهند که مخالف خشونت بر علیه زنان هستند و این روش را برای اعلام همبستگی با مبارزات زنان برگزیده‌اند.

روز ۲۵ نوامبر روز جهانی اعتراض به خشونت بر علیه زنان است. خشونتی که سیستم و نظام سرمایه داری در همه جای دنیا از آن

دفاع می‌کند و به آن دوام و بقا می بخشد. ستمی که در سطح قوانین و سیستم باقی نمانده و مدافعین و مجریان عملی آن، در درون خانواده ها و در رختخواب زنان، حی و حاضر هستند و به این ستم ویژگی و پیچیدگی خاصی می بخشند که مقابله با آن در عین حال مستلزم مقابله با مردسالاری و رفتار و فرهنگ مردسالارانه است. به این آمار توجه کنید:

- نزدیک به ۶۰ میلیون کودک دختر بچه قبل از تولد به علت عدم خواست کودک دختر توسط والدین با استفاده از قانون سقط جنین کشته می شوند یا به علت وجود کم توجهی، بیماری، عدم رغبت خانواده و... به مرگ مبتلا می گردد.

- از هر ۳ زن ۱ نفر در دنیا از یک نقطه از بدنش مورد آزار و خشونت واقع شده

- بیش از ۴۷٪ اولین تجربه های جنسی زنان با توجه به زور صورت می گیرد.

- بیش از ۷۰٪ جنایت های زنان توسط جنس مخالف که به صورت های رابطه های شوهر، دوست پسر، برادر، پدر و بوده اتفاق می افتد.

- در زامبیا هر هفته ۵ زن و در کنیا هر هفته ۱ زن بدست شوهر، پدر، برادر، دوست پسر و... خود کشته می شود.

- در مصر ۳۵٪ زنان پس از ازدواج از یک نقطه از بدنشان مورد آزار فیزیکی واقع می شوند.

- در بولیوی تمامی زنان بالای ۲۰ سال در طول ۱۲ ماه حداقل یک بار مورد خشونت فیزیکی واقع می شوند.

- در آمریکا طی هر ۱۵ ثانیه ۱ زن از طرف شوهر یا پدر مورد خشونت فیزیکی واقع می گردد. - در بنگلادش ۵۰٪ مقتولین

جنایت های صورت گرفته را زنان و مسبب این جنایت ها از طرف شوهر، برادر، پدر، دوست پسر و... معرفی می گردد.

- در زلاند نو ۲۰٪ زنان توسط شوهر، پدر، برادر، دوست پسر و... مورد خشونت فیزیکی واقع می گردند.

- بر اساس آمارهای ارگانهای حقوق بشر غیرروسی در روسیه هر

روز ۳۶.۰۰۰ زن مورد خشونت فیزیکی واقع می گردند.

- در سال ۲۰۰۰ در اسپانیا هر روز ۵ زن توسط دوست پسر، شوهر، برادر، پدر و... کشته می شده است. - در بریتانیا در هر هفته ۱ زن توسط شوهر، برادر، پدر، دوست پسر و... خود به قتل می رسد.

- از هر ۵ زن در جهان ۱ نفر قربانی تجاوز جنسی بوده و یا قربانی تجاوز جنسی ناموفق می باشد.

- در آفریقای جنوبی هر روز به ۱۴۷ زن تجاوز می گردد.

- در ایالات متحده آمریکا در هر ۹۰ ثانیه ۱ زن مورد تجاوز واقع می گردد.

- هر ساله ۲۵.۰۰۰ زن در فرانسه مورد تجاوز واقع می شوند.

- در ترکیه ۳۵٪ زنان بعضاً و ۱۶.۳٪ زنان اکثراً مورد خشونت واقع میشوند.

آمار خشونت بر علیه زنان در کشورهای مختلف و تنوع و گستردگی این خشونت ها موضوعی است که باید مورد بررسی دقیقتر قرار بگیرد. نکته مهم اما اینست که در همه جای دنیا زنان بدلیل جنسیت خود تحت ستم و آزار و اذیت قرار گرفته و حتی در کشورهای اروپایی و در کانادا و امریکا و غیره نیز که جنبش برابری طلبانه زنان و یا جنبش های سوسیالیستی و برابری طلبانه توانسته دولتها را وادار به قبول برابری زن و مرد در سطح قوانین بکند. اما هنوز این لکه ننگ بر پیشانی بشریت در این کشورهای نیز

قربانی میگیرد و هنوز زنان در این کشورها نیز باید بجنگند تا از حقوق خود دفاع کرده و بر علیه خشونت مبارزه کنند.

یک موضوع مهم اما در سه دهه اخیر دست اندازی یک جنبش اسلامی به موقعیت زنان است که اینها دیگر با قوانین و مقررات و با جنایات و شناعتی که بخرج میدهند موقعیت زنان را نه فقط در این کشورها بلکه به نوعی در سطح بین المللی، گامها عقب برده اند. سی سال است که در افغانستان

و ایران و سودان و... و... زن را سنگسار میکنند، در سطح قوانین او را ضعیفه خطاب کرده و ارزش خونش را نصف خون مرد دانسته و با اسلحه و شلاق و سنگ او را وادار میکنند به کنج خانه پناه برده و اگر به بیرون از خانه میروند خود را کاملاً مخفی کرده و حجاب را بر او تحمیل کرده اند.

میلیونها زن اکنون در بسیاری از کشورهای اسلام زده، تحت تعقیب و آزار و اذیت جنبش اسلامی و حکومتهای اسلامی و لمپن های اسلامی حاکم هستند. این موقعیت را نمیتوان با هیچ کلمه ای توصیف کرد. این بربریت کامل اسلامی است و متأسفانه در مجموع دنیا در مقابل آن با شکیبایی رفتار کرده و دنیا یکپارچه بر علیه این وحشیگری قرون وسطایی قیام نکرده و نکرد. نمیتوان در مورد موقعیت زنان حرف زد و نقش مخرب و سیاه مذهب و در این مورد اسلام را بکنار نهاد.

اسلام مذهب مردسالار و طرفدار اعمال خشونت سیستماتیک و وحشیانه علیه زنان است و هنگامی که یک حکومت این مذهب

و این تفکر را قانونی میکند، میتوان دریافت چه جهنمی برای زنان در این دنیا تدارک می بینند و چگونه زنان را به معنای دقیق کلمه رجرجش میکنند.

برای توصیف موقعیت زنان زیر چکمه جنبش اسلامی و اسلام و قرآن باید کلمات دیگری پیدا کرد. خشونت کلمه لطیفی است و گویای این موقعیت نیست.

امسال ۲۵ نوامبر در عین حال روزی بود که باید به احترام زنان رزمنده در کشورهای اسلام زده باید بشریت به پا خاسته و ادای احترام میکرد به میلیونها زن که در ایران و افغانستان و سودان و مصر با چنگ و دندان مبارزه کرده و از حرمت انسانی خود دفاع میکنند.

بویژه به زنان در ایران تحت حاکمیت حکومت اسلامی باید مدال مقاومت و مقابله با هارترین حکومت را داد که زنان در همه عرصه ها در خانه و مدرسه و دانشگاه و در زمینه هنر و فرهنگ و در همه جا علیه این حکومت و فرهنگ پوسیده و ضد زن آن قیام کرده و در همه جا پوزه مشتیی آخوند و معم و مکلائی وقیح را به خاک مالیده اند.

۲۵ نوامبر روز جهانی اعتراض به خشونت علیه زنان است و باید بویژه مردان در کشورهای اسلام زده، از ابتکار مردان در کانادا درس گرفته و با بکار گرفتن ابتکاراتی از این نوع، نشان دهند که علیه این سیستم فکری و علیه این قوانین قرون وسطایی و علیه این فرهنگ و مناسبات هستند. جوامع اسلام زده بویژه محتاج چنین رسانسی هستند.\*

## اطلاعیه شماره ۴/ تعدادی از دانشجویان دانشگاه تبریز به دیدار دانش آموزان شین آباد در بیمارستان سینا رفتند



طبق خبر رسیده نیروهای امنیتی و حراست بیمارستان سینا، از عبادت دانشجویان دانشگاه تبریز با دانش آموزان دختر مدرسه

شین آباد، که در این بیمارستان بستری هستند ممانعت بعمل آوردند. نیروهای امنیتی اعلام کرده اند که این دیدارها سیاسی است و باید از آن جلوگیری شود. بنابه تصمیم مسئولان حکومتی در

تبریز از این پس به کسی اجازه دیدار با مصدومین مدرسه "شین آباد" در بیمارستان سینا داده نخواهد شد. همچنانکه در اطلاعیه

شماره ۳ به اطلاع رساندیم نیروهای نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی اجازه ندادند تشییع کنندگان جنازه "سیران یگانه از خیابانهای پیرانشهر عبور کنند. سیران یگانه فرزند سید لقمان، دانش آموزی که عصر یکشنبه، نوزدهم آذرماه فوت کرده بود در گورستان روستای "پسوه" از توابع شهرستان پیرانشهر به خاک سپرده شد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۱۱ دسامبر ۲۰۱۲

## اخباری از شهرهای کردستان

### افزایش فشار بر دستفروشان در شهر کامیاران

به گزارش رسیده، فشار بر دستفروشان شهرستان کامیاران از سوی شهرداری در دو هفته اخیر بسیار شدت گرفته است و شهرداری این شهر با کمک نیروی انتظامی و راهنمایی و رانندگی آنان را به شدت مورد اذیت و آزار قرار داده و وسایل آنها را ضبط می کنند. به گونه ای که امروز شنبه ۱۸ آبان مامورین دوباره این دستفروشان را به شدت مورد اذیت و آزار قرار دادند.

تعداد دستفروشان در کامیاران بسیار زیاد است. اکثریت دستفروشان تا دو سال پیش با وانت بار مشغول حمل گازوئیل و بنزین و نفت بودند که به دلیل تعطیلی این کار عملاً به دلیل بیکاری و برای تامین معاش زندگی روی به دستفروشی و میوه فروشی با وانت آورده اند.

مامورین شهرداری به کمک مامورین راهنمایی و رانندگی مانع کار دستفروشان در خیابان ها و میادین شهر می شوند و در صورت مقاومت آنان، با یادداشت کردن شماره ماشین و نوشتن برگه جریمه ایشان را وادار به ترک محیط می کنند؛ چرا که در صورت جریمه شدن درآمد چند روز خود را برای جریمه باید پرداخت کنند.

دستفروشان در طی این جنگ و گریز با مامورین چندین بار از مسئولین خواسته اند که با اختصاص محلی در حاشیه شهر شرایطی برای کار آنان فراهم شود که هر بار با پاسخ منفی مسئولین و گفتن اینکه «مسائل شما به ما ربطی ندارد و شما نباید در داخل شهر باشید» روبرو شده اند.

کمیته ی هماهنگی

### تعقیب اتومبیل توسط نیروی انتظامی جان ۶ نفر را گرفت

بر اساس خبر رسیده از پیرانشهر روز شنبه در جاده پیرانشهر نقره یک سمند سواری با یک پژو سواری تصادف میکند و بر اثر این تصادف ۶ نفر کشته میشوند این حادثه در حالی اتفاق افتاد که اتومبیل سمند

وسایل ماهواره داشته و توسط نیروی انتظامی مورد تعقیب قرار می گیرد در نتیجه به اتومبیل سواری برخورد کرده و متاسفانه جان ۶ نفر را می گیرد.

### هراس رژیم از مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو در سنندج

به مناسبت روز شانزده آذر رژیم اسلامی در شهر سنندج فضای کاملاً نظامی ایجاد می کنند. از همان آغاز چندین دستگاه خودرو گارد ویژه در محل نیروهای گارد ویژه در جاده روستای قار بطرف مرکز شهر مانور می دهند و در حالت آماده باش قرار داشتند. در نهایت در خیابان فلسطین یعنی ژاندارمری سابق در حیات اداره آگاهی مستقر شدند و همزمان دو اتوبوس از نیروهای گارد به سایر نیروها ملحق شده و تعداد نیروهای دیگر هم در نزدیک دانشگاه آزاد مستقر می شوند و فضای نظامی در سطح شهر ایجاد می نمایند. کلاً تمام نیروها بصورت آماده باش در سطح شهر حضور پیدا می کنند.

### آتش سوزی گسترده در یک مدرسه ابتدایی در سلماس

عصر روز پنجشنبه مدرسه روستای ملحم در شهرستان سلماس طعمه حریق شد، اما خوشبختانه بدلیل تعطیلی مدرسه خسارات جانی در پی نداشت. به نقل از منابع محلی ساعت ۱۸ عصر پنجشنبه در اثر آتش سوزی گسترده در مدرسه ابتدایی روستای ملحم پنج کلاس درس این مدرسه کاملاً در آتش سوخت و تخریب شد. با توجه به اینکه حادثه زمانی رخ داد که هیچ یک از دانش آموزان در مدرسه حاضر نبودند، خوشبختانه تلفات جانی نداشت. همچنین در این حادثه یکی از ماموران آتش نشانی بدلیل بافت فرسوده مدرسه و ریزش سقف آن دچار شکستگی پا شد. این مدرسه از جمله مدارسی بود که بافت ساختمان آن فرسوده بوده و هر لحظه امکان بروز چنین حوادثی انتظار می رفت.

\*\*\*

## درباره اتفاقات اخیر مصر: تعرض قدرتمند انقلاب در مصر!

کند که ساختار سیاسی سرکوبگر، دیکتاتوری و دیکتاتور را تولید می کند.

نیروی اصلی انقلاب مصر، طبقه کارگر، توده های وسیع بیکاران و جوانان و زنان و مردانی هستند که دهه های متمادی زیر پای سرمایه داری و دیکتاتورهایش له شده اند. چنین نیرویی میتواند دهها دیکتاتور را بزیر بکشد اما این نیروی عظیم نتوانست از سقوط دیکتاتور فراتر برود و کل نظام سیاسی و کل سیستم اقتصادی و طبقاتی سرمایه داری مصر را زیر و رو کند چون به یک رهبری رادیکال و روشن مجهز نبود. قلب انقلاب مصر با شدت و قدرت میتیبد و همچنان میتیبد اما در میان این میلیونها قلب تپنده، نیروهای وسیع چپ و رادیکال هنوز نتوانسته اند حزب سیاسی کمونیستی را شکل بدهند و انقلاب را به یک مرکز فرماندهی سیاسی رادیکال مجهز کنند. حزبی که "نان، آزادی و حرمت انسانی" بر پرچم نوشته شده باشد.

حزبی که چشم انداز و افق سوسیالیسم را در برابر جامعه قرار دهد، طبقه کارگر مبارز مصر، زنان تشنه آزادی و برابری و نسل جوان انقلابی مصر را با مطالباتی روشن در یک صف متحد و متشکل کند و کل انقلاب را رهبری کند. حزبی که در مقابل توطئه های کثیف دهها حزب و سازمان متعلق به های طبقات حاکم، انقلاب را هدایت کند، برای هر قدمش نقشه داشته باشد، دسیسه های طبقات حاکم مصر و متحدین جهانیش را بخواند و خنثی کند. انقلاب مصر برای پیروزی نهاییش مثل

اکسیژن به چنین حزبی نیاز دارد. در مصری که یک دیکتاتوری سه دهه ای را در هم شکسته و درگیر یک مبارزه همه جانبه و غنی با طبقه حاکم است، زمینه شکل گیری چنین حزبی بیش از هر زمان فراهم شده است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ آذر ۱۳۹۱

۲۹ نوامبر ۲۰۱۲

لازم الاجرا صادر کند. او وقیحانه خود را "رهبر انقلاب" نامید تا وظیفه ضدانقلابی دولتش را در لباس دوست انقلاب پیش ببرد.

اما واکنش کارگران، جوانان و زنانی که در ۲۱ ماه گذشته حتی یک لحظه از اعتراض باز نایستاده اند قدرتمند بود. مردم به این تعرض ضد انقلاب با تعرضی متقابل جواب دادند. مرسی به نمایندگی از باند حاکم اما در قالب "دوست انقلاب" تلاش کرد به هر گونه آمل و آرزوی انقلابی مردم علیه نظم موجود پایان دهد؛ اما بیش از ۲۰۰ هزار نفر به خیابانها بازگشتند، به میدان تحریر بازگشتند و اعلام کردند که "اخوان المسلمین انقلاب را دزدیده است!" و در مقابل این دزدان انقلاب همان پرچی را بلند کردند که در مقابل دیکتاتوری سابق: "الشعب برید اسقاط النظام" (مردم خواهان سقوط رژیم هستند!)

همه اینها شاهد این حقیقت است که انقلاب مصر را نتوانسته اند شکست دهند. این انقلاب با همان آمل و آرزوهای انسانی روزهای اولش، اینبار آگاه تر، بالغ تر و با مطالباتی روشن تر و متعین تر آماده بازگشت است. انقلاب مصر نه به پیروزی کامل رسیده است و نه شکست خورده است. کشمکش انقلاب مصر و ضدانقلاب در قالب دولت مرسی همچنان ادامه دارد. تنش هفته اخیر فقط یک برآمد از این کشمکش است. بورژوازی مصر تلاش کرد نقطه پایانی به این تنش بگذارد اما تیرش کمانه کرد و به پای همان دولتش خورد.

انقلاب مصر به پیروزی کامل نرسید. دیکتاتور را کنار زد اما نتوانست آن ساختار سیاسی را که مبارك فقط یک مهره سیاسی شاخص بود در هم بکوبد. نتوانست کل نظام طبقاتی را همرا با نهادهای سیاسی و نظامی و امنیتی و اداریش نابود کند و به جایش اعمال اراده توده وسیع کارگران و توده های وسیع مردم زحمتکش و ستمییده مصر را مستقر کند. نتوانست آن نظم اقتصادی طبقاتی را زیر و رو

انقلاب مصر برای "نان و آزادی و حرمت انسانی" بود. انقلابی که در آن، نسل جوان پرشور و آگاه، کارگران و خیل عظیم بیکاران و زنان و مردان از همه مصر ۸۰ میلیونی به خیابان آمدند و با قدرت متحدشان اولین مانع، دیکتاتوری رژیم مبارک را به زانو درآوردند. انقلابی که در سنگر اصلیش میدان تحریر، در همان لحظات انقلاب الگوی زنده ای از جامعه انسانی مورد نظرش را به نمایش گذاشت. انقلابی که فقط ۱۸ روز نیاز داشت تا یک دیکتاتوری چند دهه ای را از اریکه قدرت بزیر بکشد و به اولین هدف سیاسی اش برسد.

وقتی توده های خشمگین طبقه کارگر در مراکز صنعتی اسکندریه و سوئز و قاهره در مقابل نیروهای امنیتی حکومت به نبردی سهمگین مشغول بودند؛ وقتی جوانان پرشور انقلاب در باریکادهای میدان تحریر در مقابل توحش طبقات حاکم نبردی شورانگیز را تجربه میکردند؛ جهان سرمایه داری، از دول غرب گرفته تا بورژوازی خود مصر متحد شدند تا این انقلاب را در نیمه راه متوقف کنند. در چنین شرایطی بود که اخوان المسلمین، همان نیروی ارتجاعی که از بالای سر انقلاب با ارتش بده بستان میکرد، به جلوی صحنه سیاسی رانده شد و نهایتاً قدرت سیاسی را با هدف توقف انقلاب بدست گرفت. این دولتی است که وظیفه اش پایان دادن به انقلاب، بازگردان نظم و امنیت مورد نیاز سرمایه است. این دولت ضد انقلاب مصر در دوره انقلاب است.

اگر چه انقلاب مصر عقب نشسته است اما پایان نیافته است چون به هدف اصلیش یعنی "نان، آزادی و حرمت انسانی" نرسیده است. شیخ آن انقلاب حتی یک لحظه هم از بالای سر سرمایه داری مصر و دولت تازه پایش کنار نرفته است. همه رسالت دولت مرسی این است که به این شیخ ترسناک پایان دهد. فرمان اخیر مرسی حرکتی در این مسیر بود. او خود را قدرقدرت اعلام کرد تا بتواند علیه انقلاب فرمان های

### از صفحه ۳ کودکانی که در آتش ...

آموزش و پرورش و همه مقامات مسئول و شریک در این جنایت باید استعفا بدهند.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ دسامبر ۲۰۱۲

۲۰ آذر ۹۱

پاسخ بدهد و هم تمام مدارس و محلهای آموزشی را به سطح استانداردهای امروزی برساند. دولت و حکومت اسلامی باید مسئولیت این جنایت را رسماً قبول کنند. وزیر

میخواهیم با سازمان دادن تجمعات اعتراضی و تومار نویسی علیه این جنایت رژیم اسلامی به میدان بیایند. باید دولت را ناچار کرد هم به مطالبات خانواده های این بچه ها

# مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!